

احمد بهشتی

فواید حج و عمره

در شماره گذشته (آذر ماه ۱۳۹۳) درباره جمع بین دنیا و آخرت در آموزه‌های اسلام و فواید روزه مطالبی تقدیم نمودیم و اینک در ادامه به فواید حج و عمره می‌پردازیم:

فواید حج و عمره

امام سجاده علیه السلام فرمود:

حُجُّوا و اعتمروا تَصِحَّ أجسامكم و تَتَّسِعَ أرزاقكم و يُصَلِّحَ إيمانكم و تُكْفَوْا مَوْنَةَ الناسِ و مَوْنَةَ عيالكم^(۱).

حج کنید و عمره به جای آورید تا بدن‌هایتان سالم شود و روزیتان گشایش یابد و ایمانتان اصلاح گردد و هزینه‌هایی که نسبت به مردم و خانواده‌تان بر عهده دارید، تأمین شود.

امام علی بن موسی الرضا علیه السلام فرمود:

علت وجوب حج کوچیدن به سوی خدا و طلب زیادت پاداش و

۱. بحارالانوار، ج ۵۹، ص ۲۶۷، ح ۴۸.

فواید حج و عمره

خروج از گناه و توبه از گذشته و از سر گرفتن آینده و به جریان انداختن اموال و به مشقت افکندن بدن‌ها و بازداشتن از شهوت‌ها و لذت‌ها و تقرب به خدا و منافع مردم و بیم و امید به خدا و ترک قساوت قلب و گستاخی و فراموشی و نومیدی و تنبلی و تجدید حقوق و منع نفس از فساد و منفعت تمام مردم شرق و غرب عالم و خشکی و دریا اعم از حاجی و غیرحاجی و اعم از تاجر و جالب و فروشنده و مشتری و کاسب و مستمند است^(۱).

حج یعنی کوچیدن از خودپرستی به سوی یکتاپرستی از یاد غیرخدا به سوی یاد خدا، از فردگرایی به سوی جمعیت یعنی هر مسلمانی همچون قطره‌ای به دریای امت بپیوندد و از تکروی بپرهیزد و با یاد خدا، منافع امت را فدای منافع فردی و فامیلی و حزبی و گروهی و قومی نکند. حج یعنی پیوند ناگسستنی دنیا و آخرت.

خدای متعال بر ابراهیم خلیل منت نهاد و کعبه را برای او مهیا و آماده کرد و از او خواست که از شرک بپرهیزد و خانه خدا را برای طواف‌کنندگان و قیام‌کنندگان به عبادت و راکعان و ساجدان از لوث شرک و نفاق پاک سازد و آن کانون توحید را برای همیشه بر سر پای دارد^(۲).

۱. عِلَّةُ الْحَجِّ الْوَفَادَةُ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَ طَلَبُ الزِّيَادَةِ وَ الْخُرُوجُ مِنْ كُلِّ مَا اقْتَرَفَ وَ لِيَكُونَ تَائِباً مِمَّا مَضَى وَ مُسْتَأْنِفاً لِمَا يَسْتَقْبِلُ وَ مَا فِيهِ مِنْ اسْتِخْرَاجِ الْأَمْوَالِ وَ تَعَبِ الْأَبْدَانِ وَ حَطَرِهَا عَنِ الشَّهَوَاتِ وَ اللَّذَاتِ وَ التَّقَرُّبِ بِالْعِبَادَةِ إِلَى اللَّهِ... وَ مَا فِي ذَلِكَ لِجَمِيعِ الْخَلْقِ مِنَ الْمَنَافِعِ وَ الرِّغْبَةِ وَ الرِّهْبَةِ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَ مِنْهُ تَرَكَ قَسَاوَةَ الْقَلْبِ وَ جِسَارَةَ الْأَنْفُسِ وَ نِسْيَانَ الذِّكْرِ وَ انْقِطَاعَ الرِّجَاءِ وَ الْعَمَلِ وَ تَجْدِيدَ الْحُقُوقِ وَ خَطَرَ النَّفْسِ عَنِ الْفُسَادِ وَ مَنَفْعَةَ مَنْ فِي شَرْقِ الْأَرْضِ وَ غَرْبِهَا وَ مَنْ فِي الْبَرِّ وَ الْبَحْرِ مِمَّنْ يَجِئُ وَ لَا يَجِئُ مِنْ تَاجِرٍ وَ جَالِبٍ وَ بَائِعٍ وَ مُشْتَرِيٍّ وَ كَاسِبٍ وَ مُسْكِنٍ... (بحارالانوار، ج ۶، ص ۹۶، ح ۲).

۲. وَ إِذْ بَوَّأْنَا لِإِبْرَاهِيمَ مَكَانَ الْبَيْتِ أَنْ لَا تُشْرِكْ بِي شَيْئاً وَ طَهَّرَ بَيْتِي لِلطَّائِفِينَ وَ الْقَائِمِينَ وَ الرَّكَّعِ السَّجُودِ. (حج: ۲۶).

انسان‌های موحد با روی آوردن به کعبه به عنوان قبله نماز و با طواف برگرد آن و با قیام به عبادت و رکوع و سجود در جوار آن می‌توانند از توحید عامه که شهادت بر یگانگی معبود است به توحید خاصه برسند و همه سبب‌های ظاهری را براندازند و از آن مرحله نیز بگذرند و به توحید خاصه نائل شوند یعنی آهنگ توحید را از زبان حق بشنوند که: «شهد الله أنه لا إله إلا هو»^(۱).

هست توحید خدا توحید از نزد خودش

دیگری گوید چو نعتش نعت او لاحد بود

باری حضرت خلیل الرحمان پس از اجرای فرمان حق و تطهیر بیت برای قیام و طواف و رکوع و سجود بندگان راستین حق، مأموریت یافت که اعلامیه جهانی حج را صادر کند و پایه‌گذار همیشگی حج باشد؛ حجی جهانی و جاودانی. خدای متعال در همین رابطه بود که به او فرمود:

و در میان مردم جهان اعلام حج بده تا پیاده و سواره بر مرکب‌های لاغر و از راه‌های دور به سوی تو آیند تا منافع (مادی و معنوی و دنیوی و اخروی) خود را شهود نمایند و خدای رادر روزهای معینی بر چارپایانی که روزیشان کرده یاد کنند. از گوشت آن‌ها بخورید و ناتوان تهیدست را اطعام کنید. سپس باید کثافات بدن خود را بزدايند و نذرهایشان را وفا نمایند و برگرد خانه عتیق به طواف پردازند^(۲).

۱. آل عمران: ۱۸.

۲. و أَدْنُ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ يَأْتُوكَ رِجَالًا وَعَلَى كُلِّ ضَامِرٍ يَأْتِينَ مِنْ كُلِّ فَجٍّ عَمِيقٍ. لِيَشْهَدُوا مَنَافِعَ لَهُمْ وَيَذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ فِي أَيَّامٍ مَعْلُومَاتٍ عَلَى مَا رَزَقَهُمْ مِنَ بَهِيمَةِ الْأَنْعَامِ فَكَلُوا مِنْهَا وَأَطَعُوا

فواید حج و عمره

ملاحظه می‌کنیم که در این آیات باهرات همه فواید و منافع روحی و جسمی و فردی و اجتماعی و دنیوی و اخروی حج به هم آمیخته و برنامه‌ای فراهم شده که اجرای آن بشریت را از انحطاط می‌رهاند و انسانیت را بر قلّه سعادت می‌نشانند و امت ابراهیمی را که در شکل و شمایل زیبای امت محمدی استمرار یافته، بر قلّه افتخار و استقلال و وحدت و یگانگی می‌نشانند.

در مراسم حج، کنگره جهانی امت اسلامی برگزار می‌شود. علمای بلاد (شهرها) از علوم و فنون و اختراعات و ابتکارات و اکتشافات یکدیگر مطلع می‌شوند و با مشکلات جهان اسلام آشنا می‌شوند و ظرفیت‌ها و استعدادها و ملت‌ها و سرزمین‌های اسلامی را شناسایی می‌کنند و برای رفع مشکلات و تنگناها به چاره‌اندیشی و گره‌گشایی می‌پردازند و خلاصه با کشف مضار و منافع امت، راه را به سوی فتح قله‌های بهروزی و فیروزی و پیروزی و مقهور کردن دشمنان بالقوه و بالفعل می‌کشایند و با تبادل افکار و علوم و فنون، دنیایی نو و مترقی و آباد و امن آماده برای ارتقای روحی و معنوی و فرهنگی و رسیدن به سعادت اخروی که ثمره سعادت دنیوی است، بر سر پای می‌آورند.

حج؛ الگوی صفا و معنویت و صمیمیت است. در حج، فسوق و جدال و آلودگی نیست^(۱). حج نمایشگاه خیرات و مبرات و برگرفتن توشه تقواست که بهترین توشه‌هاست. در حقیقت حج، آزمایشگاه جسم و روح انسان است تا معلوم شود که در میدان تقوا چند مرده حلاج است و با تکالیف فردی و

البائس الفقیر. ثمّ لیقضوا تفتهم و لیوفوا نذورهم و لیطوفوا بالبيت العتیق. (حج: ۲۹-۲۷).
۱... فلا رفت و لا فسوق و لا جدال فی الحج (بقره: ۱۹۷).

اجتماعی و اقتصادی و سیاسی خود چگونه برخورد می‌کند^(۱).

حج یعنی کوچیدن از خودپرستی به سوی یکتاپرستی از یاد غیرخدا به سوی یاد خدا، از فردگرایی به سوی جمعیت یعنی هر مسلمانی همچون قطره‌ای به دریای امت پیوندد^(۲) و از تکروی پرهیزد و با یاد خدا، منافع امت را فدای منافع فردی و فامیلی و حزبی و گروهی و قومی نکند^(۳). حج یعنی پیوند ناگسستنی دنیا و آخرت.

حاجی باید در آزمایشگاه حج و با انجام مناسک، ثابت کند که فلسفه حج را دریافته و در مکتب ابراهیم و ابراهیمیان آن‌گونه که باید و شاید، درس آموخته و پرورش یافته و اینک که در عرفات به درجه‌ای از عرفان رسیده و در مشعر از بی شعوری حیوانی به شعور انسانی و مسلمانی رسیده و در منا از امیدها و آرزوهای دور و دراز دنیوی و نفسانی و شهوانی گذشته و پای بر قلّه برترین امیدها و آرزوها نهاده، منش و شخصیتی یافته که فقط و فقط طالب حسنات و متنفر از سیئات است و تنها حسنات خنثای دنیوی را طالب نیست، بلکه حسنات دنیوی و اخروی را با هم می‌خواهد و می‌گوید:

﴿... رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ﴾^(۴).

۱. ... و تَزَوَّدُوا فَإِنَّ خَيْرَ الزَّادِ التَّقْوَى... (بقره: ۱۹۷).

۲. ثُمَّ أَفِيضُوا مِنْ حَيْثُ أَفَاضَ النَّاسُ وَاسْتَغْفِرُوا اللَّهَ... (بقره: ۱۹۹).

۳. فَإِذَا قَضَيْتُمْ مَنَاسِكَكُمْ فَاذْكُرُوا اللَّهَ كَذِكْرِكُمْ آبَائِكُمْ أَوْ أَشَدَّ ذِكْرًا... (بقره: ۲۰۰).

۴. بقره: ۱۹۸.